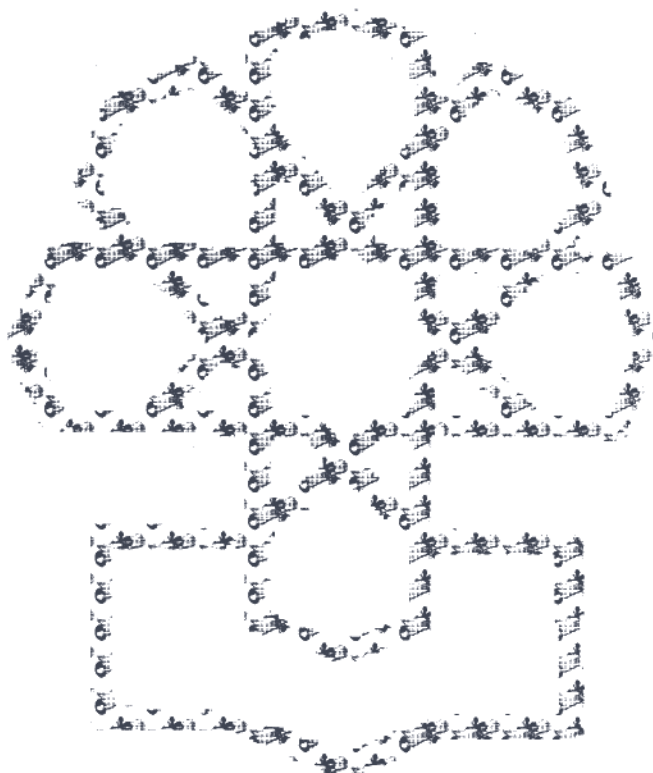




# سپاه پاسداران و ارزش‌ها



معاونت پژوهشی  
شهریور ۱۳۷۷

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مآرایی  
شماره: ۴۴۶۸  
تاریخ: ۷۷/۸/۱۰

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۳۶۷۵

## بسمه تعالی

### سپاه پاسداران و ارزش‌ها

کد گزارش: ۴۱۰۳۶۷۵

#### فصل اول - سپاه پاسداران و ارزش‌ها

##### ۱-۱- تهاجم علیه نیروهای ارزشی

سپاه پاسداران از متن انقلابیونی و دلاورانی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانده و در صحنه‌های مختلف پاسداری از آن شرکت داشت شکل گرفت و در حفظ و حراست از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب کوشید و جانفشانی نمود آنچنان که امام امت با بیاناتی از جمله: «ای کاش من هم یک پاسدار بودم» و «اگر سپاه نبود کشور هم نبود» به تجلیل از آن پرداختند. در قانون اساسی نیز وظیفه خطیر نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن به این نهاد ارزشی سپرده شد. سپاه پاسداران از همان ابتدا به عنوان بازوی نیرومند امام با چشمی بیدار به مقابله با ضد انقلاب پرداخت و نقش بسزایی در سرکوب کودتا علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و مقابله با عوامل خارجی در کردستان، گنبد، خوزستان و در نهایت در مقابله با تهاجم وحشیانه دشمن به کشور و به شکست کشاندن آن داشت.

امروز نیز سپاه از یک سو وظیفه خطیر پاسداری از انقلاب و از سوی دیگر مشارکت فعال در سازندگی کشور را به عهده دارد. بی جهت نیست که سرخوردگان از انقلاب از همان ابتدا قلب سپاه و سپاهیان را آماج تهاجم خود قرار دادند. زمانی که سپاه سنگرهای فتنه و لانه‌های توطئه آنان را در می‌نوردید همچون خفاشان شب، ناجوانمردانه پاسداران را به شهادت می‌رساندند و اینک که سپاه رامانعی در راه تحقق خواسته‌های نامشروع خود می‌یابند همچون مارو و مور از داخل و خارج به جان آن می‌افتند گویی دشمنان اسلام و نظام اسلامی که با پیروزی انقلاب و تارومار شدن اولیه به خارج گریخته یا به لانه‌های خود خزیده بودند و اینک در سایه آزادی و تحلیل غلط از شرایط، منافقانه وارد صحنه شده‌اند از جایگاه مردمی سپاه و نقش آن در تحقیق آرمان‌های جامعه اسلامی ایران غافلند و تصور می‌کنند با چند مقاله و سخن پراکنی می‌توانند دیواری برای جدا کردن سپاه از مردم ایجاد نمایند. در حالی که سپاه از متن توده‌های مردم شکل گرفته و همچنان نهادی مردمی است تحلیل ضدانقلاب خارج از کشور و غربزدگان داخلی این بود که با فاصله گرفتن از زمان پیروزی انقلاب و خاتمه جنگ، شور و هیجان ناشی از آن و همچنین رحلت امام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، می‌توان حرکتی فرهنگی و تبلیغاتی در راستای تخریب ارزش‌های انقلاب و رسوخ در افکار و عقاید مردم انجام داد. لذا در ابتدا دستاوردهای انقلاب را مورد حمله قرار دادند. از یک سو «آواز شکست مدیریت فقهی و لزوم روی آوردن به مدیریت علمی» را سردادند و از سوی دیگر شخصیت‌های مؤثر نظام را مورد حمله قرار دادند. در نهایت حمله را متوجه رکن اصلی نظام یعنی ولایت فقیه نمودند. البته چون می‌دانستند که در این میدان با واکنش جدی مردم روبه‌رو خواهند شد به دو شیوه عمل کردند: از یک طرف با مقالاتی چند تلاش در مخدوش نمودن ولایت مطلقه فقیه از دید نظری نمودند و از طرف دیگر با حمله به تمام ارگان‌هایی که به نحوی مرتبط با رهبری بودند نقشه خود را به محک آزمایش

گذاشتند. مطالعه‌ای که بر روی نشریات و سخنان این گروه صورت گرفته است به روشنی حجم بالای خبرها، مقالات و تحلیل‌ها علیه مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، دستگاه‌های قضائی، سپاه پاسداران، صدا و سیما، نیروی انتظامی و سایر نهادهایی که زیر نظر مستقیم رهبری قرار دارند ملاحظه می‌گردد. از طرف دیگر تلاش دارند این چنین وانمود کنند که بخشی از مسئولان کشور متمایل به غرب هستند و تنها این گروه طرفدار آزادی- که آن را هم دستاورد لیبرالیسم غربی می‌دانند - می‌باشند. در یک تحلیل غلط حضور گسترده و شکوهمند مردم در انتخابات ریاست جمهوری را که جلوه‌ای از اعتقاد و اعتماد به نظام اسلامی و در راستای تثبیت آن بود به پیروزی اراده مردم بر حاکمیت و ولایت فقیه تعبیر و تبلیغ کردند و به منظور ضربه زدن به باورهای مردم وارد میدان شدند. گویی آزادی ارمغانی از غرب برای انسان‌هاست و به کرات در وصف این آزادی داد سخن دادند. آن هم در جایی که با حاکمیت اسلام آزادی به معنای واقعی آن یعنی حق فطری انسان به رسمیت شناخته شده است. آزادی در میان استقلال و حکومت اسلامی از شعارهای اصلی این انقلاب بود که با نابودی رژیم پهلوی در این کشور حاکم شده اگر آزادی نباشد توقع تعمیق فرهنگی انقلاب، شکوفایی استعدادها و انتظار مشارکت مردم در امور بیجااست. امام امت خود بزرگ‌ترین منادی آزادی بودند. ولی امروز چند وابسته فکری، عده‌ای ساده اندیش و چند عامل بیگانه می‌خواهند آزادی لیبرالی به ما اهدا کنند. آن هم آزادی که حدود مرزی ندارد به جز مرز به خطر افتادن منافع مادی دنیای غرب.

آزادی تفکر در اسلام بسیار باارزش است و هیچ کتابی به اندازه قرآن دعوت به تفکر نکرده است. ولی آزادی گرا کردن، دروغ گفتن، توهین و هتک حرمت، آزادی حمله به اسلام و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و در یک کلام آزادی قانون شکنی مجاز نیست. بله انتقاد و ارشاد و راهنمایی خوب و پسندیده است و اگر کسی اشکالی و سؤالی هم دارد می‌تواند در جای خود مطرح کند ولی آیا می‌توان احکام نورانی اسلام را زیر سؤال برد؟ آیا هم در بین افرادی که قدرت دفاع از خود را ندارند؟ و اگر دل سوخته‌ای پاسخی منطقی و مستدل بگوید با چماق از دست رفتن آزادی بر سر او بکوبند و دهان او را به عنوان مخالف آزادی ببندند؟ کودتایی خرنده و برنامه‌ریزی شده را تدارک ببینند و با ابزارهای قابل رؤیت خارجی به پیش برانند و آنگاه دفاع عناصر انقلابی را مقدمه چینی برای کودتا بنحوانند؟ دشمن تلاش زیادی دارد تا با ترمیم چهره‌ای خشن و غیر منطقی از نیروهای حزب اللهی آنان را مخالف آزادی قلمداد کند و هرگونه دفاع منطقی آنان از حق و حقیقت را با جوسازی و قیام حق به جانب به باد تهمت و استهزا گیرد. امروز صحنه مقابله با دشمن صحنه فرهنگی است. در این صحنه که دشمن با هزار دروغ سعی در استحاله فرهنگی دارد و مقابله با او ظرافت خاص خود را می‌طلبد. این میدان مبارزانی می‌طلبد که با هوشمندی سیاسی دشمن را به خوبی شناسایی کرده و باشیوه‌ای فرهنگی وارد مبارزه شوند. بدون شک سپاه پاسداران به عنوان نگهبان انقلاب و دستاوردهای آن در شناسایی و مقابله با این گونه توطئه‌های دشمن مسئولیت خطیری دارد.

#### ۱-۲- محورهای ارزشی در سپاه

اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی وظیفه‌ای فراتر از یک نیروی نظامی بر عهده سپاه می‌گذارد و بیان می‌دارد که: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند...».

یعنی قانون اساسی علاوه بر پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی که وظیفه سازمانی نیروهای مسلح است وظیفه دیگری که حفاظت و نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن است به عهده سپاه پاسداران می‌گذارد.

بالتبع سپاه پاسداران و برادران سپاه جهت انجام وظیفه‌ای که قانون اساسی بر عهده آنان گذارده است باید قابلیت‌هایی علاوه بر قابلیت‌های نظامی داشته باشند و لاجرم جهت ایجاد این توانایی‌ها که از نوع آمادگی معنوی و روحی و شناخت عمیق از انقلاب و آفاتی که متوجه آن می‌باشد باید زمینه‌های معنوی و ارزشی را در خود ایجاد نمایند.

مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این نکات خطاب به فرماندهان سپاه این گونه می‌فرمایند: «یکایک شما باید به طور دایم مراقب اعمال، رفتار و گفتار خود باشید، زیرا انسان به برکت تقوا می‌تواند خود را در صراط مستقیم الهی حفظ کند و در هر میدانی که وارد می‌شود، سر بلند بیرون بیاید و بدون تردید عاقبت سیر عظیم تاریخ و جهان متعلق به متقین است».

به هر حال توجه به خدا و معنویات به عنوان یک نیروی محرکه می‌تواند زمینه ساز و تسهیل کننده راه نیروهای انقلابی و ارزشی سپاه در جهت انجام تمام و کمال وظایف محوله باشد.

یکی از محورهایی که مورد توجه دشمنان انقلاب اسلامی بوده است و هنوز هم در برنامه‌های آنها وجود دارد و متأسفانه دوستان ناآگاه انقلاب و بعضی از تفکرهای شائبه دار نیز آن را دنبال می‌نمایند، بر چیدن و کوتاه کردن دست نیروهای ارزشی از صحنه انقلاب و کشور می‌باشد. تبدیل شدن سپاه به نیروی نظامی صرف و تبدیل و تحول هویت انقلابی سپاه پاسداران نیز یکی از خواب‌هایی است که دشمنان انقلاب برای این مملکت دیده‌اند. همچنین زرمه‌هایی که در چند ماه پیش راجع به حذف تشکیلات بسیج از دانشگاه‌ها بر سر زبان بعضی از مسئولان افتاد نیز شاید بخشی از این تفکر باشد.

سپاه باید انقلابی باقی بماند و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب را به شدت حفظ کند و سعی کند با تحلیلی درست و آگاهانه از مسائل جاری توطئه‌های موجود که انقلاب را تهدید می‌نماید و سعی نماید به عنوان نیروی انقلابی انسجام سیاسی کشور را حفظ نماید و به تعبیر مقام معظم رهبری سپاه باید یکی از طراحان اصلی خطوط سیاسی کشور باشد.

در حقیقت گسترش انقلاب و دفاع از ارزش‌های انقلاب به عنوان وظیفه اصلی سپاه ایجاد می‌کند که سپاه سیاسی باشد. البته این فراتر از بحث سیاسی به مفهوم جناح‌های سیاسی و سیاسی کاری است.

سپاه هیچ‌گاه نباید تبدیل به یک جناح بشود و نباید به سمت کار جناحی برود یا به صورت فراجناحی در راستای انقلاب و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب حرکت نماید.

یکی از دیگر وظایفی که در این راستا بر عهده همه نیروهای انقلابی علی‌الخصوص نیروهای مؤمن سپاه می‌باشد شناخت دشمن و دسائیس و برنامه‌های وی می‌باشد. شناسایی دشمن و بررسی و شناخت اهداف، توان و بینش وی، از لازم‌ترین مسائل دفاع می‌باشد. امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام در مورد هوشیاری و شناخت دشمن می‌فرمایند: «کسی که از دشمن غفلت ورزد، مکر و حيله‌های دشمنش او را بیدار می‌کند».

آگاهی از مجموعه فرهنگ دشمن، اهداف، ابزار و شیوه‌های او مانند آگاهی از اسرار نظامی در صحنه جنگ سودمند است.

یکی از صحنه‌هایی که پیش رو داریم و می‌تواند سرنوشت ساز باشد انتخابات مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان رهبری، یکی از نهادهای سیاسی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تعیین گردیده است و سه وظیفه مهم شناسایی رهبر، انتخاب رهبر و نظارت بر رهبری را عهده‌دار می‌باشد. اعضای این نهاد بر طبق مفاد اصل یکصد و هفتم قانون اساسی باید آگاه به احکام و موضوعات فقهی و همچنین مسائل سیاسی و اجتماعی باشند.

در چند ماه گذشته شبهاتی در زمینه اعضای خبرگان، مشخصات و صفات و شرایط خبره و نحوه انتخاب آن توسط دشمنان آگاه و بعضاً دوستان ناآگاه مطرح گردیده است. در کنار آن نیز حرکتی جهت کم‌اهمیت جلوه دادن این مجلس و همچنین دعوت مردم به تحریم انتخابات آتی خبرگان شروع شده است. ذیلاً ابتدا اهمیت مجلس خبرگان رهبری از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بررسی می‌گردد و سپس به صورت فشرده به بحث پیرامون شبهات مطرح شده خواهیم پرداخت.

### ۲-۱- خبرگان در کلام ولایت

امام (ره) در قسمتی از پیامی که به هنگام گشایش اولین دوره مجلس خبرگان ارسال داشتند فرمودند: «... اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستم دیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستم‌شاهی، مسئولیتی را قبول فرمودید که در رأس همه مسئولیت هاست و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنج دیده و شهید داده و داغ دیده [در] گرو آن است»<sup>۱</sup> و در فراز دیگری در اهمیت مجلس خبرگان و تبیین وظیفه شرعی مردم در انتخابات مجلس خبرگان این‌گونه می‌فرمایند که:

«... باز شیاطین دوره افتاده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند این مسائل تحقق پیدا کند. یکی همین مجلس خبرگان است که امروز محل ابتلای همه است. مجلس خبرگان یک مجلسی [است] که باید شمار ملت بدانند که این مجلس پشتوانه کشور است برای حفظ امنیت کشور و حفظ استقلال کشور و حفظ آزادی برای کشور و اگر مسامحه در این امر بشود، یک تقصیری است که ممکن است جبران نشود این تقصیر. باید همان‌طوری که اعلام می‌کنند و آن روزی که اعلام می‌کنند، آقایان بروند و افرادی را که تعیین کرده‌اند بزرگان، به آنها رأی بدهند...»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز در صحبت‌های اخیرشان در ارتباط با اهمیت مجلس خبرگان و شرکت مردم در آن این‌گونه بیان فرمودند که:

«این انتخابات (خبرگان) واقعاً مهم و ممتاز است و شرکت عمومی مردم در آن از جهات مختلف لازم و مفید است. انتخابات مجلس خبرگان می‌تواند یک مانور ملی در برابر دشمنان خارجی باشد و بر این اساس شخصیت‌های علمی و جوانان فعال و تحصیلکرده باید مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب کنند و بدون تردید مردم در مورد نامزد با صلاحیت تحقیق خواهند کرد و به او رأی خواهند داد. بنابراین مهم آن است که

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۷۹.

این انتخابات وسیع و خوب برگزار شود»<sup>۱</sup>.

## ۲-۲- محورهای تبلیغاتی علیه خبرگان

دشمنان که به اهمیت مجلس خبرگان و نقش بسیار مهمی که در مواقع حساس می‌تواند ایفا نماید پی برده‌اند سعی در تضعیف این مجلس با هدف اصلی تضعیف ولایت فقیه و رهبری دارند. بنابراین به انحاء مختلف سعی می‌کنند که باعث کم‌رنگ شدن حضور مردم در این انتخابات شوند. در این راستا از حدود ۵ ماه پیش حملات منظم و سازمان دیده‌ای را شروع نموده‌اند که مهم‌ترین محورهای این حملات عبارت است از:

۱- عضویت غیر فقها در این مجلس: این محور شاید مهم‌ترین محور تضعیف خبرگان رهبری باشد. دشمن با برنامه‌ای حساب شده تلاش بر القای این باور دارد که باید در مجلس خبرگان رهبری که جایگاه مجتهدین و دین‌شناسان است افراد تحصیل کرده دانشگاهی فاقد تحصیلات فقهی نیز حضور داشته باشند.

چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی و وظایفی به عهده خبرگان گذاشته شده که انجام این وظایف و ایفای این نقش احتیاج به فقیه بودن و شناخت نسبت به مدارج علمی و عملی فقها و مجتهدین دارد.

در اصل یکصد و هشتم قانون اساسی نیز به صراحت عنوان گردیده است که:

«قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات، مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

این کار توسط اولین شورای نگهبان انجام گرفته و به تأیید رهبر وقت انقلاب اسلامی نیز رسیده است و سپس توسط اولین مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ مجدداً ضوابط و مقررات موجود تدوین شده و به تصویب اعضای خبرگان نیز رسیده است. پس بنابراین با توجه به متن قانون اساسی و اختیاراتی که توسط این قانون به مجلس خبرگان داده شده این مسئله و شبهه بی‌اساس می‌باشد.

متأسفانه علی‌رغم مشخص بودن قانون در زمینه وجوب شرط اجتهاد جهت کاندیداها، از افراد غیر مجتهد که حتی آگاهی اولیه نیز به مطالب فقهی ندارند نیز ثبت نام شده است تا باری قانونی صلاحیت این افراد توسط شورای نگهبان زمینه برای طرح مجدد مسئله نظارت استصوابی در جامعه فراهم آید و از هم‌اکنون فضا را برای انتخاب بعدی مجلس شورای اسلامی «مشوه» سازند و به اهداف تبلیغاتی خود که در جهت تضعیف اختیارات قانونی شورای نگهبان طراحی و سازمان‌دهی شده است دست یابند.

این اتفاق متأسفانه در جریان هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز رخ داد و از زنان که منع قانون اساسی برای رئیس جمهور شدن دارند ثبت نام گردید تا شورای نگهبان صلاحیت آنها را رد کند و توانستند در آستانه انتخابات ریاست جمهوری از این مسئله بهره‌برداری کامل نمایند و آرای زنان را دستخوش تغییر نمایند.

جا دارد که با هماهنگی‌هایی که می‌تواند به عمل آید وزارت کشور و فرمانداری‌ها از ابتدا کسانی را که

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

منع صریح قانونی دارند ثبت نام ننماید و این مسائل جزو شرایط عمومی (نظیر حداقل و حداکثر سن لازم برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری) اعلام گردد.

۲- محور دوم تبلیغاتی بر علیه خبرگان، متوجه شورای نگهبان و اظهار نظر پیرامون صلاحیت کاندیداهای روحانی و خبرگانی که خود را کاندید می نمایند می باشد. این مسئله که در دوره قبل یعنی دومین انتخابات خبرگان نیز مطرح شد توسط اشخاص خاصی با اهداف مشخص مطرح می شود.

در این قسمت نیز باید باز به قانون اساسی مراجعه نمود که طبق اصلاحیه آن در سال ۱۳۶۸ که ملاکها و مشخصات خبرگان را و شرایط عمومی و خاص آنها به خود مجلس خبرگان واگذار شده است. مجلس خبرگان نیز در آیین نامه مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۵ خود شرایط فقهایی که قصد نامزد شدن برای مجلس خبرگان را دارند به طور صریح و مشخص اعلام نموده است که یکی از آنان «اجتهاد» می باشد. یعنی اعضای خبرگان باید مجتهد باشند هر چند مجتهد متجزی و نحوه اثبات و محرز نمودن اجتهاد را نیز به یک نهاد که قابلیت صلاحیت این کار را دارا می باشند یعنی شورای نگهبان واگذار نمود که چون این اختیار توسط قانون اساسی به مجلس خبرگان داده شد، بالطبع و قهراً آن چه خبرگان در این زمینه تصویب نموده اند قانون است.

بنابراین آنچه فعلاً صورت می پذیرد و در تبلیغات به عنوان برخوردهای جناحی مشهور شده است و توسط عده ای خاص بر این مسئله مدام تأکید صورت می پذیرد در حقیقت یک اختیار قانونی است که به شورای نگهبان داده شده که قانونی را که فقط خود خبرگان بر اساس قانون اساسی صلاحیت تهیه و تصویب آن را دارند اجرا نماید.

۳- محور بعدی که باز در تبلیغات سوء علیه مجلس خبرگان خیلی بر آن تأکید می شود «عمل نکردن مجلس خبرگان به یکی از وظایف قانونی خویش یعنی نظارت بر رهبری می باشد». و به مردم این گونه القا می شود که خبرگانی که به وظیفه خویش یعنی نظارت بر رهبری عمل نمی نمایند صرفاً به صورت نمادین و فرمالیته است و ضرورتی برای شرکت در انتخابات و رأی دادن وجود ندارد.

در توضیح این مسئله نیز باید اظهار نمود که واقعیت برخلاف آن چیزی است که تبلیغ می شود. برای انجام این وظیفه که بر طبق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی بر عهده مجلس خبرگان نهاده شده است این مجلس هم در دوره اول و هم دوره دوم از میان اعضای خویش، هیئت تخصصی را مرکب از ۷ نفر برای مدت ۲ سال با رأی مخفی انتخاب می نماید تا به وظایف مذکور در این قانون عمل نماید.

این هیئت موظف است هرگونه اطلاع لازم را در رابطه با اصل یکصد و یازدهم در محدوده قوانین و موازین شرعی تحصیل کند. همچنین نسبت به صحت و سقم گزارش های واصله تحقیق و بررسی کند و در صورتی که لازم بداند با رهبری در این زمینه ملاقات کند. این هیئت در طی دو دوره گذشته تشکیل شده و به وظایف خویش عمل نموده است. منتهی نکته ای که وجود دارد این است که بر طبق آیین نامه خبرگان فعالیت و تشکیل جلسات و گزارش عملکرد این هیئت محرمانه و غیر علنی و سری می باشد که با توجه به جایگاه رفیع رهبری و ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی این امر از نظر سیاسی و امنیتی نیز کاملاً معقول و منطقی می باشد و لزومی ندارد که امر نظارت بر رهبری و عملکرد وی به صورت آشکار و علنی صورت پذیرد.

به هر تقدیر بحث انتخابات مجلس خبرگان و سعی در تضعیف نمودن جایگاه آن و تشویق و ترغیب مردم به عدم شرکت در این انتخابات و حتی درخواست تحریم آن توسط مردم از سوی بعضی از عناصر

معلوم الحال و وابسته که اخیراً مطرح شد بحث مهمی بوده و نیاز به هوشیاری مردم و تمامی نیروهای خودی انقلاب دارد که فریب شعارهای عناصر معلوم الحال را که از تضعیف مجلس خبرگان هیچ قصدی به جز تضعیف رهبر معظم انقلاب اسلامی و اصل مرفقی ولایت فقیه را ندارند نخوریم و خدای ناخواسته شعارها و حرف دل آنها را بازگو ننماییم و مردم را به حضور یک پارچه و باشکوه انتخابات مجلس خبرگان دعوت نموده و از هر حرکتی که باعث ایجاد جو تفرقه و دلسردی مردم می‌گردد جداً اجتناب نماییم.

## فصل سوم - مسائل افغانستان

افغانستان با توجه به مرز ۶۰۰ کیلومتری با جمهوری اسلامی ایران و مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی و زبانی از اهمیت فوق العاده برای ایران برخوردار است. فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های مستقل در ناحیه شمالی ایران و افغانستان و لزوم انتقال نفت و گاز و مواد خام این منطقه به خارج از یک سو و ورود کالا به بازارهای منطقه و تمایل به نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشورها در این منطقه از سوی دیگر، موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک برای افغانستان و ایران ایجاد نموده است. مقابله امریکا با ایران و تلاش این کشور برای جلوگیری از اهمیت یافتن مسیر ایران، سیاست پیچیده‌ای رادر افغانستان به دنبال داشته باشد. مثلث امریکا، پاکستان و عربستان با توجه به منافع خود، بحران گسترده‌ای برای این کشور آسیب دیده از تجاوز شوروی سابق ایجاد نموده که حاصل آن جنگ، ویرانی و غارت و چپاول در افغانستان بوده است. امریکا با توجه به منافع اقتصادی و به ویژه سرمایه‌گذاری هنگفت شرکت «شورون» در حوزه نفتی «تنگیز» و علاقه به حضور در کنار مرزهای ایران و روسیه و جلوگیری از نفوذ و منافع اقتصادی و سیاسی ایران، تحرکاتی در منطقه داشته است. پاکستان نیز به منظور قرار گرفتن در مسیر حمل و نقل به آسیای میانه و همچنین بهره‌گیری از حاکمیت دست‌نشانده در افغانستان، با فعالیت چشمگیر و دخالت آشکار نقشی مؤثر در این کشور ایفا نموده است.

عربستان نیز با توجه به زمینه مساعد به دنبال نفوذ در منطقه از طریق تبلیغ و هابیت و تلاش در حاکمیت گروهی دست‌نشانده است. لذا با طرح و نقشه امریکا و سرمایه عربستان، دولت پاکستان با پرورش و تجهیز گروه افراطی طالبان و حمایت آشکار نظامی، سیاسی و مالی از آن، افغانستان را تحت تسلط گرفت. بدیهی است در صورتی که طالبان موفق شود مقاومت دولت افغانستان و دیگر گروه‌های مبارز را در هم بشکند وظیفه‌اش پایان یافته و رهبران تندرو و متعصب آن به عنوان عناصری که تاریخ مصرف آنها تمام شده با عناصری موجه‌تر جایگزین خواهند شد. ولی وضعیت افغانستان به گونه‌ای است که مجاهدان افغانستان که سال‌های مقاومت در برابر ابرقدرت شرق را با موفقیت طی کرده‌اند اجازه تحقق این خواسته مثلث متجاوز را نخواهد داد. گروه طالبان با توجه به ماهیت ارتجاعی و وابسته خود مسائلی را در ارتباط با ایران ایجاد نمود که حائز اهمیت است و در صورت تداوم پیامدهایی به شرح ذیل خواهد داشت:

۱- این گروه با ارائه تصویری خشن و غیرانسانی از اسلام دستاویز مناسبی برای حمله ناجوانمردانه غرب به اسلام فراهم نموده است. چنانکه با حاکمیت طالبان بر کابل و اعدام و حشیانه نجیب... و وادار کردن زنان به پوشاندن کامل خود، روزنامه فیگارو چاپ فرانسه با چاپ عکس‌هایی از این وقایع با تیتیر «حکومت قرآن در کابل» به بهره‌برداری پرداخت.

- ۲- گروه طالبان در صورت حاکمیت بر افغانستان با توجه به ارائه نوعی اسلام خودساخته و خشن سعی خواهد نمود که ماهیت اسلامی ایران را زیر سؤال برده و تحریکاتی علیه ایران انجام دهد؛
  - ۳- طالبان که منبع اصلی درآمد خود را در کشت خشخاش و صدور مواد مخدر می‌داند می‌تواند مشکلات فراوانی در مرزهای شرقی ایران ایجاد نماید.
  - ۴- گروه طالبان که ماهیتاً گروهی تروریست است با ایجاد پایگاه برای منافقین و دیگر زخم‌خوردگان از نظام اسلامی تلاش خواهد نمود ضرباتی بر پیکر جمهوری اسلامی وارد نماید که حداقل به ناامنی مرزهای شرقی منجر خواهد شد.
  - ۵- امریکا با تسلط بر منطقه و در نهایت جایگزین نمودن چهره‌های موجه‌تر به جای طالبان دولتی مخالف جمهوری اسلامی و مرکزی برای توطئه علیه نظام تشکیل خواهد داد.
  - ۶- با ایجاد امنیت مطلوب امریکا و پاکستان، راه‌های ارتباطی به آسیای میانه با فشار این دولت منحصر به راه افغانستان و پاکستان خواهد بود و از این راه تلاش امریکا برای کاستن از اهمیت ایران محقق خواهد شد. اینک که گروه طالبان با به شهادت رساندن کارگزاران سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، چهره ددمنش و غیرانسانی خود را بیش از هر زمان دیگر به نمایش گذاشته و موج اعتراض جهانی را برانگیخته است، لازم است با استفاده از کلیه امکانات اقدامی مناسب برای پاسخ‌گویی به این حرکات که احساسات مردم مسلمان ایران را جریحه‌دار نموده انجام گیرد.
- به موازات این اقدام منافع ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌نماید که با تدوین برنامه‌ای بلندمدت و زمان‌بندی شده و انجام اقدامات و کمک‌های لازم و مکفی به دولت اسلامی افغانستان شرایط را در منطقه به نحوی تغییر دهیم که حداکثر منافع کشور در ارتباط با این بحران عاید شود.